



شمس‌الدین محمد بن یحیی اسیری لاهیجی

اسیری لاهیجی، شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی گیلانی د ۹۱۲ق/ ۱۵۰۶م، عارف، [شاعر](#) و از مشایخ سلسله نوربخشیه که «اسیری» تخلص می‌کرد و بدان شهرت یافت.

فهرست مندرجات

- ۱ - تولد
- ۲ - توبه به دست نور بخش
- ۳ - سالها در خدمت خانقاه
- ۴ - سفر به تبریز
- ۵ - سفر به حج
- ۶ - آشنا به علوم مختلف
- ۷ - در زمان صفویه
- ۸ - متعالی‌تر نسبت به نوربخش
- ۹ - ستیز با زاهد خودپرست
- ۱۰ - آثار
- ۱۰.۱ - آثار منظوم
- ۱۰.۲ - آثار منثور
- ۱۱ - فهرست منابع
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منبع

تولد

از [سال](#) ولادت او اطلاع دقیقی در دست نیست. اینکه برخی از معاصران او را متولد حدود سال ۴۰ق دانسته‌اند [۱] حسن فسایی، فارس‌نامه ناصری، ج ۱، ص ۱۹۵، به‌کوشش منصور رستگار فسایی، تهران، ۳۶۷ش. در دست نیست، زیرا وی در ۴۹ق که [دست](#) ارادت به [سید محمد نور بخش](#) د ۶۹ق داده، در «عنوان شبلب» بوده است، جوانی که «علوم صوری» را تحصیل کرده بود و می‌توانست به تنهایی و پنهان از بستگان به سفر رود [۲] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، به‌کوشش مه‌رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش. [۳] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، به‌کوشش مه‌رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش. [۴] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۶، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش. در این هنگام ظاهراً بایستی در حدود ۶ یا ۷ ساله بوده باشد، از این‌رو می‌توان گفت که ولادت او به تقریب در حدود سال ۳۳ق و قطعاً در لاهیجان یا نواحی آن بوده است.

توبه به دست نور بخش

اسیری در زندگاه خود مقدمات [علوم ظاهری](#) را فرا گرفت و درد «عشق معرفت» در او پیدا شد و در [رجب](#) ۴۹ با یکی از ابدال همان نواحی آشنایی حاصل کرد و به راهنمایی او به خدمت سیدمحمد نوربخش که در آن هنگام در روستای شفت، از نواحی [گیلان](#)، اقامت داشت، رسید [۵] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۲-۵۶، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش. نوربخش او و دو سالک دیگر را که به طلب دیدار شیخ با وی همراه شده بودند، با آغوش باز پذیرفت و گرمی داشت. اسیری روز پس از ورود، به دست نوربخش «[توبه](#)» کرد و از او «ذکر خفی» گرفت و پس از مواظبت و ممارست در [نوافل](#)، «ذکر چهار ضربی» را فرا گرفت [۶] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۷-۶۳، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش. [۷] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، به‌کوشش مه‌رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش. و در این حال، گاه به خدمت مطبخ و گاه به سامان دادن اصطبل خانقاه او می‌پرداخت و گاه نیز به عنوان «فرّاش آستان» به خدمت او مشغول بود. [۸] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۶۳، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.

اسیری سالها در خدمت خانقاه به سر برد. او خود این مدت را ۶ سال یاد می‌کند
 [۱۹] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
 و در این مدت در عالم معرفت و شناخت و **شهود عرفانی** به تجارب و حقایق دست یافت.
 [۲۰] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۶۴، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.
 [۲۱] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
 [۲۲] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
 [۲۳] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۰-۲۰، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
 [۲۴] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵-۱۴، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
 و پیش از آنکه دوران مریدی و خدمت اسیری نزد نوربخش به ۶ سال برسد، در سلوک و معرفت به مرتبه‌ای رسیده بود که شیخ دوبار برای او «اجازنامه» نوشت.
 [۲۵] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.

وی ظاهرأ در ۶۵ق، پس از اخذ سومین «اجازنامه» به قصد ارشاد مریدان، **بیر** و مراد خود را بدرود گفته است.

[۲۶] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
 [۲۷] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
 اینکه برخی مدت ملازمت اسیری را نزد سیدمحمد نوربخش تا هنگام درگذشت نوربخش ۶۹ق، حدود ۰ سال برشمرده‌اند
 [۲۸] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۶، تهران، ۳۶۵ ش.
 [۲۹] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۰، به‌کوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ ش.
 با **نص** گفتار و تصریح خود او مغایر می‌نماید.
 [۳۰] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
 [۳۱] ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، تهران، ۳۶۳ ش.

سفر به تبریز

اسیری در ۶ سال ملازمت و خدمت نزد نوربخش، احتمالاً گامگاهی به سیر و سفر می‌پرداخته است. چنانکه از □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□

[۳۲] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۴-۵، به‌کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.
 برمی‌آید، ظاهرأ در اواخر آن دوران به **تبریز** سفر کرده، و چند **ماه** در آن شهر به‌سر برده است. شاید وجود برخی هواخواهان نوربخش در آن خطه
 [۳۳] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۶، تهران، ۳۶۵ ش.
 موجب شده بود که وی برای بررسی اوضاع و احوال محل و امکان اقامت در تبریز به آن شهر سفر کند. سرانجام اسیری پس از جدا شدن از مراد خود، در **شیراز** رحل اقامت افکند و خانقاهی وسیع در محله لب آب، متصل به دروازه باب‌السلام در آن شهر بنا نهاد و آن را به مناسبت شهرت شیخ خود، خانقاه نوریه نام نهاد و در آن به ارشاد مریدان پرداخت.
 [۳۴] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۶، تهران، ۳۶۵ ش.
 [۳۵] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۰، به‌کوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ ش.
 [۳۶] محمدنصیر فرصت، آثار عجم، ج ۱، ص ۶۲، تهران، ۳۶۲ ش.
 [۳۷] حسن فسایی، فارس‌نامه ناصری، ج ۱، ص ۱۹۵، به‌کوشش منصور رستگار فسایی، تهران، ۳۶۷ ش.

سفر به حج

در حدود سال ۸۲ق به نیت گزاردن حج به مکه رفت و به هنگام بازگشت در شهر زبید **بین** به مدت یک سال اقامت گزید. در این مدت بعضی از صوفیان عارف یمن همچون معروف حیرتی هاشمی نزد او برخی از آثار صوفیه را سماع کردند و در **جمادی الاول** ۸۳ از دست او **خرقه** پوشیدند و اجازنامه دریافت داشتند.
 [۳۸] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۳۰، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
 [۳۹] محمد اسیری لاهیجی، «رسائل»، ج ۱، ص ۴۹-۵۲، ضمیمه دیوان اسیری هم.

آشنا به علوم مختلف

اسیری در بازگشت به شیراز، احتمالاً در ۸۳ق، به شیخی خانقاه و ارشاد مریدان ادامه داد. چون او علاوه بر تصوف، با علوم **شرعی** مانند **فقه** و **حدیث** و **تفسیر** آشنا بود
 [۴۰] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۷، به‌کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
 و چنانکه اثر مفضل او، مفاتیح الاعجاز، می‌نماید، از **کلام** و **حکمت** نیز بهره کامل داشت، در خانقاه مجالس **درس** و بحث برگزار می‌کرد. بنایی، شاعر معاصر او، تصریح می‌کند که خانقاه نوریه همچون «قصر جهان ز حوزه علم» او با صداقت.
 [۴۱] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۱، به‌کوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ ش.
 از این‌رو، به گفته **نورالله شوشتری**، بجز سالکن خانقاهی، متکلمن و حکیمان روزگارش همچون **جلال‌الدین دوان** ی و میرصدرالدین **محمد دشتکی شیرازی** به خانقاه او آمد و شد داشته، و در بزرگداشت او اهتمام می‌ورزیده‌اند.
 [۴۲] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۰-۵۱، تهران، ۳۶۵ ش.

با قدرت یافتن صفویه ۷۰۷ ق بی‌تردید راه و روش عرفانی اسیری مقبول‌تر و عام‌تر شده است، خاصه آنکه او با **شاه اسماعیل اول** د ۳۰۰ ق رابطه‌ای نزدیک داشته، و چنانکه گفته‌اند، شاه اسماعیل در لاهیجان نزد او **قرانت قران** را فرا گرفته است. اگر این نکته درست باشد، می‌توان گفت که اسیری پیش از جلوس شاه اسماعیل ۷۰۷ ق با صفویان رابطه داشته، و از شیراز به زانگاه خود سفر کرده، و با شاه اسماعیل در آنجا آشنایی و ارتباط حاصل کرده است. به هر حال، ارتباط اسیری با شاه اسماعیل صفوی ارتباطی صمیمی و نزدیک بوده است، چنانکه پرورش شاه اسماعیل از وی در مورد سیاهپوشی او، و پاسخ اسیری مبنی بر اینکه **جامه سیاه** او نشان واقعه **کر بلا** و استمرار **عزای عاشورا** است، حکایت از آن دارد که ظاهراً در ۹۰ ق، شاه اسماعیل از خانقاه نوریه دین کرده

[۲۳] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲-۵۳، تهران، ۳۶۵ ش.

[۲۴] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۲، بهکوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ ش.

و دیدارهایی بین او و شاه اسماعیل وجود داشته است؛ خاصه آنکه به احتمال قریب به یقین شاه اسماعیل املاک و رقبای وقف خانقاه اسیری کرده، و تولیت خانقاه و موقوفات آن را به او و اعیان نفویض نموده است.

[۲۵] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۶، تهران، ۳۶۵ ش.

[۲۶] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۱، بهکوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ ش.

[۲۷] محمدنصیر فرصت، آثار عجم، ج ۱، ص ۶۲، تهران، ۳۶۲ ش.

علاوه بر اینها، سیاهپوشی اسیری، هر چند به‌زعم برخی از معاصران به مسائل عرفانی اتصاف به **نور** سیاه مربوط بوده است،

[۲۸] کیوان‌سمیعی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز اسیری، ج ۱، ص ۴، تهران، ۳۳۷ ش.

[۲۹] کیوان‌سمیعی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز اسیری، ج ۱، ص ۵، تهران، ۳۳۷ ش.

در حقیقت حاکی از پسند مذهبی و معتقدات شیعی اوست.

[۳۰] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۰-۵۱، تهران، ۳۶۵ ش.

او نماینده **عرفان** و تصوف **شیعی** است و سند طریقت خود را با چند واسطه به **امام رضاع** می‌رساند

[۴۱] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۵، بهکوشش محمدرضا بزرگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.

[۴۲] محمد اسیری لاهیجی، «رسائل»، ج ۱، ص ۵۰، ضمیمه دیوان اسیری هم.

و «حب **طی**» ع و آل او را توصیف می‌کند و خود را «وارث **طی** حین» برمی‌شمارد

[۴۳] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۲، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

، با اینهمه، از پذیرفتن مریدان **حنفی** و **شافعی** اجتناب نمی‌کرده است.

[۴۴] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۳، تهران، ۳۶۵ ش.

متعلل‌تر نسبت به نوربخش

با اینکه اسیری بزرگ‌ترین و ممتازترین خلیفه سیدمحمد نوربخش و به قولی مایه افتخار سلسله نوربخشیه است

[۲۵] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۰، تهران، ۳۶۵ ش.

[۲۶] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۲۹، بهکوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ ش.

[۲۷] محمدحسین زوزی، ریاض الجنه، ج ۱، ص ۵۰، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز.

و نیز درست است که او خود رهبری را در ذات نوربخش منحصر یافته، و لقای او را برتر از «عزت **دنیا** و **دین**» دانسته، و از وی با عنوانی چون «امام الاصفیاء» یاد کرده است

[۲۸] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۹، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.

[۲۹] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۴۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

[۳۰] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۴۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

اما باید دانست که او به نسبت با مرادش، نوربخش، متعادل‌تر، و از دعای منسوب به وی

[۳۱] عبدالواسع نظامی بلخ‌ریزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۱-۹۲، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ ش.

دور بوده است. به همین مناسبت است که او «توسن عرفان» را «تند و حرون» یافته است که عارف می‌باید «عنن» آن را همواره کشیده دارد، و گرنه اختیار را از او می‌گیرد و او را گاه چون **حلاج** بردار می‌کند و گاه به زندقی و الحاد مطعون و به جنون منسوب می‌دارد و گاه از **مذهب** و دین بیرونش می‌برد.

[۳۲] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۸۲، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.

این‌تعادل در پسندهای عرفانی اسیری موجب شده است که عبدالرحمان جامی - که شدیداً با نوربخش و فرزندش شاه قاسم خصومت داشته

[۳۳] عبدالواسع نظامی بلخ‌ریزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۱، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ ش.

[۳۴] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲، تهران، ۳۶۵ ش.

[۳۵] رضاطقی هدایت، ریاض العارفین، ج ۱، ص ۳، بهکوشش مهدیقلی هدایت، تهران، ۳۱۶ ش.

ولی با اینکه اسیری خود را ساخته «فیض نوربخشی» می‌داند

[۳۶] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

و پیر خود را با «مهدی» قابل قیاس دانسته

[۳۷] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۹، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.

نکته‌ای است که متأثر از **آراء** نوربخش به نظر می‌رسد.

[۳۸] عبدالواسع نظامی بلخ‌ریزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۲، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ ش.

علاوه بر این، مقلطع بسیاری از **غزلیات** او نام و نشان نوربخش را در بردارد.

[۳۹] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

[۴۰] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۴-۱۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

[۴۱] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۸، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

[۴۲] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۲۲، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

و این نیز دلیل بر بزرگداشت یاد و خاطره شیخ از سوی اوست. اما بیش از آنکه اسیری متأثر از نوربخش باشد، از تصوف **خراسان** و عرفان **ابن عربی** تأثیر پذیرفته است، چنانکه آثار او نشان می‌دهد، دانش و بینش عرفانی و ذوق ادبی او ترکیبی است از معرفت **مولوی** وار و عشق و رندی حافظانه و نظریه وحدت وجود و مظهریت اسمانی ابن عربی.

[۴۳] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۶۴] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
- [۶۵] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
- ستیز با زهد ریایی، رنگ و بوی سستی‌نگی حافظ را با زاهدان خودبین دارد.
- [۶۶] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
- [۶۷] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
- [۶۸] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
- [۶۹] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

ستیز با زاهد خودپرست

در این ترکیب عرفانی، اسیری نه تنها با زاهد خودپرست و زهد خودپرستانه در ستیز است، بلکه در برابر عشق از «عقل» نیز بیزار است.

- [۷۰] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.
- او مانند **حافظ** و مولوی در «مکتب عشق» همه «نکت مشکل» را کشف کرده است
- [۷۱] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۸۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.
- از این رو همچنان که «عشق» را با «زهد» در تقابل می‌یابد، عشق و عقل را نیز دو امر متعارض می‌بیند.
- [۷۲] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۱۲-۲۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.
- این تعارض البته در جمیع شئون زندگی این جهانی و آن جهانی بین عشق و عقل وجود دارد و سرانجام، به تصور اسیری، عشق به «پیروزی» می‌رسد و عقل به «آوارگی».
- [۷۳] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۱۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.

اسیری در اقلیم **کشف و شهود** تجربه‌های فردی هم داشته است،

- [۷۴] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۲۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.
- چنانکه خود تصریح کرده که در بدو سلوک «نور تجلی الهی» بر او ظاهر شده است
- [۷۵] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۶-۷، به کوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
- و در ۵۲ خود را متجلی به «تجلی صفت نور» یافته، و بار دیگر در واقعه، عالم هستی را با یک نور واحد روشن دیده است و سرانجام متجلی به «تجلی نور سیاه» شده است، یعنی به بلندترین نقطه سلوک در عرفان رسیده
- [۷۶] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۴، به کوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.
- [۷۷] عین القضاة همدانی، نامه‌ها، ج ۱، ص ۱، به کوشش علینقی منزوی و عقیب عسیران، تهران، ۳۶۲ ش.
- و خود را قیوم همه عالم یافته است.
- [۷۸] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۲۳، به کوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.

آثار

از اسیری به نظم و نثر آثاری بلند و کوتاه در دست است. آثار منظوم او، اعم از **مثنوی و غزل**، از لحاظ لفظ و معنی متأثر از آثار مولوی و حافظ است. این تأثیر، البته در غزلیات اسیری بسیار آشکار است. او با مثنوی مولوی آشنا بوده، و به قول خود، دفتر آن اثر، **چین** او را **حیات** بخشیده، و به او «جام شراب وحدت» نوشانده است.

- [۷۹] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

وی نه تنها به تضمین برخی از غزلهای مولوی پرداخته

- [۸۰] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

و به پیروی از وی قافیه‌های صوتی مانند «تن تلا تلا تلا» در غزلهای خود به‌کار گرفته است، بلکه حتی از لحاظ ساختار و اشکال شعری، غزلهای مولوی را در وزن، قافیه و **موسیقی** تکرار کرده است.

- [۸۱] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۰-۳۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۸۲] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵۸، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

تأثیر غزلهای حافظ نیز بر غزلیات اسیری آشکار است. او خود به بزرگی حافظ اشاره دارد و «**آهنگ حافظ**» را سبب «به **رقص آمدن جهان**» می‌داند و **دعا** می‌کند که **خداوند** حافظ آهنگ حافظ باشد.

- [۸۳] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

واژگان کلام حافظ با بار معنایی خاص او در سرتاسر غزلیات اسیری مشهود است و الفاظ و اصطلاحاتی چون رند، می، شاهد، گلگشت، خرابلت، پیر میکده، پیر خرابلت، پیر مغان، پیر جام، محتسب، زاهد و مانند آن‌ها در **شعر** او دقیقاً بوی غزلهای حافظ را دارد

- [۸۴] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۸۵] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۲، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۸۶] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۹، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۸۷] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۸۸] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۸۹] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۹۰] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۹۱] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵۰، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

- [۹۲] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۹۴، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

علاوه بر اینها، اشارات و **کنایات** مبتنی بر الفاظی چون مغ، مغنچه، دیر، ترسا، زائر ترسای و **کفر** و دین، از تأثیر زبن و فکر شاعران دیگری چون شیخ محمد شبستری، **عطار** و عراقی بر **شعر** او حکایت دارد.

اسرار الشهود، مثنوی است مشتمل بر هزار بیت، در بحر رمل مسدس مقصور هم وزن مثنوی مولوی، متضمن نکته‌ها و تمثیلهای عرفانی که باید میان سالهای ۶۵ - ۶۹ ق سروده شده باشد؛ زیرا اشارات موجود در آن از یکسو زنده بودن سیدمحمد نوربخش را نشان می‌دهند و از دیگر سو از پختگی ناظم در مراحل سیر و سلوک حکایت دارند.

[۹۳] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۸، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.

[۹۴] محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۲، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ ش.

هزار بیت که براساس ترقیمه یکی از نسخه‌های آن، ناظم در ۸۳ق آن را جمع و تدوین کرده است.

[۹۵] رضاقلی هدایت، ریاض العارفین، ج ۱، ص ۳، بهکوشش مهدیقلی هدایت، تهران، ۳۱۶ ش.

دیوان اسیری بهکوشش برات زنجانی در ۳۵۷ش در تهران طبع و نشر شده است. منتخب مثنوی، گزیده‌ای است از مثنوی مولوی که اسیری در ۷۴ق آن را گرد آورده، و برخی از مشکلات را نیز به نظم تبیین کرده است.

[۹۶] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۸۰، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

← آثار منثور

مجموعه‌های متنوعی از آثار منظوم و منثور ناظم در دسترس است، مشهورترین اثر او در قلمرو عرفان و معروفترین شرح در میل شروع □□□□ □□□□ محمود شبستری است.

[۹۷] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲، تهران، ۳۶۵ ش.

اسیری در ۹ **نیججه** ۷۷ به تألیف این کتب پرداخته، و ظاهراً پیش از ۸۲ق - که نسخه‌ای از آن در راه **مکه** بر او سماع شده

[۹۸] محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، ج ۱، ص ۹۰، مشهد، ۳۶۳ ش.

آنرا به پایان برده است. شرح **گلشن راز** در حقیقت دانشنامه‌ای است از مطالب و موضوعات عرفان نظری، با گرایشی آشکار به سوی مکتب ابن عربی و با استنهاد به آیت و احادیث و روایات معروف و اشعار و اقوال بزرگان صوفیه و مشتمل بر نکته‌های برخاسته از تجربه‌ها و دریافتهای عرفانی شارح. گفته‌اند که اسیری پس از تألیف، این کتب را به هرات نزد **عبدالرحمان جمی** فرستاده، و او آن را تمجید کرده است

[۹۹] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲، تهران، ۳۶۵ ش.

[۱۰۰] محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۰، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ ش.

اما با توجه به موضع جامی در برابر نوربخش و فرزندش شاه قاسم، و مقابله او با نوربخشیه،

[۱۰۱] عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامات جامی، ج ۱، ص ۹۱، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ ش.

[۱۰۲] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۸-۴۹، تهران، ۳۶۵ ش.

این نکته را باید با احتیاط پذیرفت. این شرح در طول چندین سال، همواره مورد توجه و مراجعه عام بوده، و در عصر **صوفی‌یه** به قلم محمد دهدار با عنوان ایجاز مفاتیح الاعجاز تلخیص شده، و در ۱۲ق در بمبئی به چاپ رسیده است. این اثر با عنوان جام دلنواز به ترکی نیز ترجمه شده است.

[۱۰۳] آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۷۰-۷۱

متن کامل این کتب بارها منتشر شده، و نسخه‌ای نسبتاً معتبر از آن به کوشش محمد رضا برزگر و عفت کرباسی، در تهران ۳۷۱ ش انتشار یافته است. «شرح دو بیت مثنوی»، گزارشی است کوتاه بر دو بیت مثنوی مولوی: چونکه برنگی اسیر رنگ شد... که شارح در آن از خود نام برده، و آن را به خواش «برادران دینی» ساخته است.

[۱۰۴] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۲۸، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

این رساله همراه با دیوان اشعار او

[۱۰۵] محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۸-۴۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ ش.

در تهران ۳۵۷ ش منتشر شده است. «اجاز فلانم»، اجازهای است عرفانی که اسیری برای شیخ حیرتی و فرزندش ابوالذبیح اسماعیل به زبان عربی در زبید یمن در ۸۳ق نوشته است. این اثر نیز همراه با دیوان اشعار او، در تهران ۳۵۷ ش به چاپ رسیده است.

چند رساله منثور دیگر از اسیری در دست است که همه گزارشهایی است کوتاه بر ابیات دشوار عرفانی، مانند شرح بیت مشهور **سنایی**: عاشقان در دمی دو عید کنند **عنکبوتان مگس** قید کنند

شرح بیت امیر **خسر و دهلوی**: ز دریای شهادت چون **نهنگ** لا بر آرد سر **تیمم** فرض گردند **نوح** را در وقت طوفانش

شرح رباعی منسوب به شهاب‌الدین **عمر سپهر وردی**: دی بر سر گور زله غارت کردم مر پاکن را **جنب زیارت** کردم...

شرح رباعی: از پنجه پنج و ششدر شش به در آی و ز گش مکش سپهر سرکش به در آی...

که هر چند عوامل سبک شناختی، نسبت آنها را به اسیری مسلم می‌دارد، اما از او در شرحهای مزبور نام و نشانی دیده نمی‌شود. این شرحها نیز همراه با دیوان اشعار او، در تهران ۳۵۷ ش انتشار یافته است.

نامه‌هایی نیز اسیری به دانشمندان روزگارش فرستاده

[۱۰۶] نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۳، تهران، ۳۶۵ ش.

که البته تاکنون نسخه‌ای از آن‌ها شناخته نشده است. رساله‌هایی با عنوانهای «جابلقا و جابلسا»، «معاش السالکین» و چند رساله دیگر نیز به او نسبت داده شده است

[۱۰۷] سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۹، تهران، ۳۴۴ ش.

[۱۰۸] ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۳۱، تهران، ۳۶۳ ش.

که البته هیچ‌یک از این نسبتها درست نیست، زیرا «جابلقا و جابلسا» بخشی است از مفاتیح الاعجاز اسیری

[۱۰۹] محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۱۶-۱۷، بهکوشش محمد رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ ش.

که هانری کرین نیز آن را در ارض ملکوت

[۱۱۰] هانری کرین، ارض ملکوت، ج ۱، ص ۳۷-۴۰، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران، ۳۵۸ ش.

گنجانده است و رساله‌ای مستقل نیست، و «معاش السالکین» رساله‌ای است فارسی از سیدمحمد نوربخش.

[۱۱۱] حاجی‌خلیفه، کشف، ج ۱، ص ۷۲۵.

[۱۱۲] محمد رضا برزگر خالقی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز نک: هم، ج ۱، ص ۳، اسیری.

چند رساله دیگر نیز از نویسندگانی به نام حسام‌الدین فرزند یحیی لاهیجی تألیف در **سده** ۱۱ق، به اسیری نسبت داده شده است.

[۱۱۳] منزوی، خطی، ج ۱، ص ۵۵.

[۱۱۴] آستان قدس رضوی، فهرست، ج ۱، ص ۶.

- (۱) آستان قفس رضوی، فهرست.
- (۲) آقابزرگ طهرانی، الذریعة.
- (۳) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
- (۴) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
- (۵) محمد اسیری لاهیجی، «رسائل»، ضمیمه دیوان اسیری هم.
- (۶) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
- (۷) مجتهدرضا برزگر خالقی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز نک: هم، اسیری.
- (۸) حاجی‌خلیفه، کشف.
- (۹) ابراهیم دیبلیجی، «کفاره روزهای که خوردم رمضان»، وحید، تهران، ۳۴۵-۳۴۶ش، س، شم.
- (۱۰) محبت‌سین رکن‌زاده، آمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تهران، ۳۳۹ش.
- (۱۱) حسن روملو، احسن التواریخ، بهکوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ۳۵۷ش.
- (۱۲) برات زنجانی، مقدمه بر دیوان اسیری هم.
- (۱۳) محبت‌سین زوزی، ریاض الجنة، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز.
- (۱۴) کیوان سمیعی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز اسیری، تهران، ۳۳۷ش.
- (۱۵) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران، ۳۶۵ش.
- (۱۶) ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۳۶۳ش.
- (۱۷) عین‌الفضل همدانی، نامه‌ها، بهکوشش علینقی منزوی و عقیق عسیران، تهران، ۳۶۲ش.
- (۱۸) محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهر شاد مشهد، مشهد، ۳۶۳ش.
- (۱۹) مجتهدرضا فرصت، آثار عجم، تهران، ۳۶۲ش.
- (۲۰) حسن فسایی، فارس‌نامه ناصری، بهکوشش منصور رستگار فسایی، تهران، ۳۶۷ش.
- (۲۱) هانری کرین، ارض ملکوت، ترجمه ضیاء‌الدین دهشیری، تهران، ۳۵۸ش.
- (۲۲) محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
- (۲۳) منزوی، خطی.
- (۲۴) عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامات جامی، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ش.
- (۲۵) سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۳۴۴ش.
- (۲۶) رضاقلی هدایت، ریاض العارفین، بهکوشش مهدیقلی هدایت، تهران، ۳۱۶ش.

پانویس

۱. [↑](#) حسن فسایی، فارس‌نامه ناصری، ج ۱، ص ۱۹۵، بهکوشش منصور رستگار فسایی، تهران، ۳۶۷ش.
۲. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۳. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۴. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۶، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۵. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۲-۵۶، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۶. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۷-۶۳، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۷. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۸. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۶۳، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۹. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۱۰. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۶۴، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۱۱. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۱۲. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۱۳. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۰-۲۰، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۱۴. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵-۱۴، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۱۵. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۱۶. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۷، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۱۷. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۱۸. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۶، تهران، ۳۶۵ش.
۱۹. [↑](#) محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۰، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
۲۰. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۶، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۲۱. [↑](#) ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، تهران، ۳۶۳ش.
۲۲. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۴-۵، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۲۳. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۶، تهران، ۳۶۵ش.
۲۴. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۶، تهران، ۳۶۵ش.
۲۵. [↑](#) محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۰، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
۲۶. [↑](#) مجتهدرضا فرصت، آثار عجم، ج ۱، ص ۶۲، تهران، ۳۶۲ش.
۲۷. [↑](#) حسن فسایی، فارس‌نامه ناصری، ج ۱، ص ۱۹۵، بهکوشش منصور رستگار فسایی، تهران، ۳۶۷ش.
۲۸. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۳۰، بهکوشش مجتهدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۲۹. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، «رسائل»، ج ۱، ص ۴۹-۵۲، ضمیمه دیوان اسیری هم.

۳۰. ↑ محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۷، بهکوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۳۱. ↑ محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۱، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
۳۲. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۰-۵۱، تهران، ۳۶۵ش.
۳۳. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲-۵۳، تهران، ۳۶۵ش.
۳۴. ↑ محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۲، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
۳۵. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۶، تهران، ۳۶۵ش.
۳۶. ↑ محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۱، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
۳۷. ↑ محمدنصیر فرصت، آثار عجم، ج ۱، ص ۶۲، تهران، ۳۶۲ش.
۳۸. ↑ کیوان سمیعی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز اسیری، ج ۱، ص ۴، تهران، ۳۳۷ش.
۳۹. ↑ کیوان سمیعی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز اسیری، ج ۱، ص ۵، تهران، ۳۳۷ش.
۴۰. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۰-۵۱، تهران، ۳۶۵ش.
۴۱. ↑ محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۸۵، بهکوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۴۲. ↑ محمد اسیری لاهیجی، «رسائل»، ج ۱، ص ۵۰، ضمیمه دیوان اسیری هم.
۴۳. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۲، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۴۴. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۳، تهران، ۳۶۵ش.
۴۵. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۰، تهران، ۳۶۵ش.
۴۶. ↑ محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۲۹، بهکوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۳۱۸ش.
۴۷. ↑ محمدحسین زوزی، ریاض الجنة، ج ۱، ص ۵۰، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز.
۴۸. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۹، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۴۹. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۴۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۵۰. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۴۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۵۱. ↑ عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۱-۹۲، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ش.
۵۲. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۸۲، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۵۳. ↑ عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۱، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ش.
۵۴. ↑ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲، تهران، ۳۶۵ش.
۵۵. ↑ رضاقلی هدایت، ریاض العارفین، ج ۱، ص ۳، بهکوشش مهدیقلی هدایت، تهران، ۳۱۶ش.
۵۶. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۵۷. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۹، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۵۸. ↑ عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۲، بهکوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ش.
۵۹. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۰. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۴-۱۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۱. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۸، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۲. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۲۲، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۳. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۴. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۵. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۶. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۷. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۸. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۶۹. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۷، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۷۰. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۱، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۷۱. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۸۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۷۲. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۱۲-۲۶، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۷۳. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۱۶، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۷۴. ↑ محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۲۵، بهکوشش برات زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۷۵. ↑ محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۶-۷، بهکوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۷۶. ↑ محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۴، بهکوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۷۷. ↑ عین القصلت همدانی، نامه‌ها، ج ۱، ص ۱، بهکوشش علینقی منزوی و عقیف عسیران، تهران، ۳۶۲ش.
۷۸. ↑ محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۲۳، بهکوشش مجیدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۷۹. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۰. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۱. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۰-۳۱، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۲. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵۸، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۳. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶۶، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۴. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۵. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۲، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۶. ↑ محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۹، به کوشش برات زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.

۸۷. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۸. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۱۵، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۸۹. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۹۰. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۶۱، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۹۱. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۵۰، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۹۲. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۹۴، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۹۳. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۸، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۹۴. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، اسرار الشهود، ج ۱، ص ۵۲، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۶۵ش.
۹۵. [↑](#) رضاقلی هدایت، ریاض العارفین، ج ۱، ص ۳، به کوشش مهدیقلی هدایت، تهران، ۳۱۶ش.
۹۶. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۸۰، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۹۷. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲، تهران، ۳۶۵ش.
۹۸. [↑](#) محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد، ج ۱، ص ۹۰، مشهد، ۳۶۳ش.
۹۹. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۲، تهران، ۳۶۵ش.
۱۰۰. [↑](#) محمد معصوم معصوم‌علیشاه، طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۳۰، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران، ۳۱۸ش.
۱۰۱. [↑](#) عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامت جامی، ج ۱، ص ۹۱، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۳۷۱ش.
۱۰۲. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۸-۴۹، تهران، ۳۶۵ش.
۱۰۳. [↑](#) آقا بزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۷۰-۷۱.
۱۰۴. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۸، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۱۰۵. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، دیوان، ص ۳۸-۴۱، به کوشش برت زنجانی، تهران، ۳۵۷ش.
۱۰۶. [↑](#) نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۳، تهران، ۳۶۵ش.
۱۰۷. [↑](#) سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۹، تهران، ۳۴۴ش.
۱۰۸. [↑](#) ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۳۱، تهران، ۳۶۳ش.
۱۰۹. [↑](#) محمد اسیری لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ج ۱، ص ۱۶-۱۷، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، ۳۷۱ش.
۱۱۰. [↑](#) هانری کرین، ارض ملکوت، ج ۱، ص ۳۷-۴۰، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران، ۳۵۸ش.
۱۱۱. [↑](#) حاجی‌خلیفه، کشف، ج ۱، ص ۷۲۵.
۱۱۲. [↑](#) محمدرضا برزگر خالقی، مقدمه بر مفاتیح الاعجاز نک: هم، ج ۱، ص ۳، اسیری.
۱۱۳. [↑](#) منزوی، خطی، ج ۱، ص ۵۵.
۱۱۴. [↑](#) آستان قدس رضوی، فهرست، ج ۱، ص ۶.

منبع

[دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «اسیری لاهیجی»، ج ۸، ص ۳۵۱۳.](#)
 نرم افزار عرفان ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

رده‌های این صفحه: [تراجم](#) | [طریقت نوربخشیه](#) | [مشایخ صوفیه](#) | [مشایخ قرن دهم](#)